



یکشنبه 2 بهمن 28 صفر 22 ژانویه

رحلت جانگداز پیامبر اسلام(ص) در سال 11 هجری قمری ...

رحلت جانگداز پیامبر اسلام(ص) در سال 11 هجری قمری

حضرت محمد بن عبدالله(ص) آخرین پیامبر الهی است که مردم را به یگانگی خداوند متعال و عدالت اجتماعی در دنیا و زندگی در سرای دیگر دعوت کرد و ادیان آسمانی را با رسالت و تبلیغ خویش به اتمام و اکمال رسانید.

آن حضرت در چهل سالگی به رسالت مبعوث گردید. در آغاز به مدت سه سال به طور پنهان و سپس به مدت ده سال به طور آشکار در مکه معظمه، مردم را به توحید و دین اسلام دعوت کرد. در این راه، آزارهای فراوان روحی و جسمی از معاندان و مشرکان قریش تحمل کرد و سرآخر که با توطئه آنان در قتل خود مواجه گردید، ناچار به سوی مدینه(یثرب) مهاجرت نمود و این شهر را پایگاه دعوت اسلام و تمرکز مسلمانان قرار داد و نخستین پایه‌های حکومت اسلامی را در آن بنا نهاد.

از آن پس به مدت ده سال در این شهر مقدس اقامت گزید و با انواع دشمنی‌ها و دسیسه‌های مشرکان مکه و سایر طوایف و قبایل عربستان، مقابله کرد و بسیاری از آنان را به دین اسلام و راه روشن الهی هدایت‌گر شد و مناطق مهمی از سرزمین عربستان، همانند مکه معظمه، طائف، یمن و نواحی مسکونی شبه‌جزیره عربستان را در پوشش نظام حکومتی اسلامی قرار داد.

سرانجام در 63 سالگی پس از انجام مراسم حجةالوداع و معرفی حضرت علی(ع) به جانشینی خویش در غدیرخم، آثار بیماری در آن حضرت هویدا شد و پس از تحمل چندین روز بیماری روح ملکوتی‌اش به اعلی علیین پیوست و در جوار رحمت الهی قرار گرفت.

در تاریخ رحلت پیامبراکرم(ص) میان شیعه و اهل سنت، اتفاق نظر نیست. زیرا تاریخ‌نگاران و سیره‌نویسان شیعه به پیروی از اهل بیت(ع)، تاریخ رحلت پیامبر(ص) را روز دوشنبه 28 صفر سال یازدهم هجری قمری دانسته‌اند، ولیکن علمای اهل سنت تاریخ آن را در ماه ربیع‌الاول ذکر کرده‌اند و در این که چه روزی از ربیع‌الاول بوده است، اختلاف دارند. برخی روز اول، برخی روز دوم و برخی روز دوازدهم و عده‌ای روز دیگری از این ماه را بیان کردند.

واقدی از جمله کسانی است که رحلت آن حضرت را در روز دوشنبه دوازدهم ربیع‌الاول می‌داند.

به هر تقدیر، علت وفات آن حضرت، تناول کردن غذای مسمومی بود که یک زن یهودی به نام "زینب" در جریان جنگ خیبر به آن حضرت خورانیده بود.

پس از رحلت رسول خدا(ص) در حالی که عده‌ای از سران و سیاستمداران مهاجر و انصار در سقیفه بنی ساعده گردآمده و درباره جانشینی آن حضرت به مجادله و منازعه پرداخته بودند، حضرت علی(ع) به اتفاق برخی از عموزادگان خویش به غسل دادن و کفن کردن بدن مطهر پیامبر(ص) پرداخت. آن گاه بدن شریف آن حضرت به مدت دو روز جهت وداع واپسین امت و سوگواری اهل بیت(ع) و نمازگزاران اهالی مدینه بر بدن مطهر آن حضرت، با احترام ویژه‌ای نگهداری شد و سپس در روز چهارشنبه، به خاک سپرده شد.

اهل بیت(ع) و وابستگان آن حضرت و بزرگان صحابه درباره مکان تدفین بدن مطهر آن حضرت به گفت‌وگو پرداختند و هر کدام پیشنهاد خاصی ارائه کردند. حضرت علی(ع) که متکفل تجهیز بدن آن حضرت و از نزدیکترین مردان به آن حضرت بود، فرمود: **إن الله لم یقبض روح نبیہ إلا فی أظہر البقاع و ینبغی أن یدفن حیث قبض؛** به درستی که خدای سبحان، جان پیامبری را نمی‌گیرد مگر در پاکیزه‌ترین مکان، و سزاوار است در همان مکانی که قبض روح شد، در همان جا دفن گردد.

گفتار مستدل و روح‌نواز امیرمؤمنان علی ابن ابی طالب(ع) مورد پسند همگان قرار گرفت و بدن مطهر رسول خدا(ص) را در همان مکانی که جان به جان آفرینان تسلیم کرده بود، دفن نمودند.

طبری، پیشنهاد دفن پیامبر(ص) را، در همان مکانی که وفات یافت، به ابوبکر منتسب کرد و از او نقل کرد: **ما قبض نبی إلا یدفن حیث قبض؛** هیچ پیامبری از دنیا نخواهد رفت، مگر این که در همان مکانی که قبض روح شد دفن گردد.

هم اکنون مرقد مطهر آن حضرت در داخل مسجدالنبی(ص) قرار دارد و زیارت‌گاه مسلمانان و مشتاقان آن حضرت از سراسر عالم است.

خلافت ابوبکر بن ابی قحافه در سال 11 هجری قمری

مورخان و سیره‌نگاران درباره تاریخ رحلت پیامبر(ص)، اتفاق نظر ندارند. شیعیان به پیروی از اهل بیت(ع)، تاریخ رحلت را، 28 صفر دانسته ولی اهل سنت، آن را در ماه ربیع‌الاول ذکر کرده‌اند.

همین دیدگاه‌های تاریخی درباره آغاز خلافت ابوبکر بن ابی قحافه، به عنوان نخستین خلیفه از خلفای راشدین، نیز ساری و جاری است. ولی تمامی تاریخ‌نگاران، اتفاق دارند بر این که در همان روزی که رسول خدا(ص) رحلت نمود، ابوبکر به خلافت رسید.

خلافت ابوبکر، نخستین سنگ بنای عملی و تفرقه مسلمانان در صدر اسلام است. زیرا خلافت وی، نه به وصایت پیامبر(ص) بود و نه به صورت انتخابات آزاد و دموکراتیک برگزار شد. بلکه نتیجه منازعه و مناظره گفتاری برخی از افراد دو گروه مهاجر و انصار بود که در سقیفه بنی ساعده، در تجمع چند ده نفری مسلمانان، بدون حضور بزرگان بنی‌هاشم(که نزدیکترین افراد به رسول خدا(ص) بودند) و بدون اطلاع بسیاری از سران صحابه کبار، با ترفندهای چند تن از مهاجران، به این مقام برگزیده شد و سپس با فضا سازی ویژه، از سایرین نیز به رضایت و یا با اجبار بیعت گرفتند.

مخالفان خلافت ابوبکر، دو دسته از صاحب نفوذان مدینه و اصحاب رسول خدا(ص) بودند.

دسته اول: آنانی که شخصیت ابوبکر را به دلایلی برای این مقام مناسب نمی‌دانستند. معروفترین شخصیت‌های این دسته، افرادی چون سعد بن عباد، قیس بن سعد، ابوسفیان و بسیاری از طایفه‌های انصار و گروهی از مهاجران بودند.

دسته دوم: آنانی که نه شخص ابوبکر، بلکه مخالف انتخاب خلیفه بدون در نظر گرفتن وصایت بودند. این‌ها، معتقدان به امامت بودند که اعتقاد داشتند بر این که خلیفه، باید از سوی پیامبر(ص) به وصایت تعیین شده باشد و به شواهد غیرقابل انکار، استناد می‌کردند که رسول خدا(ص) در واپسین ماه‌های زندگی خود، در بازگشت از مراسم حجة‌الوداع، در سرزمین غدیرخم، حضرت علی بن ابی طالب(ع) را به این مقام منصوب کرد و از حاجیان حاضر، برای آن حضرت، بیعت گرفت.

بدین لحاظ، معتقد بودند که خلافت، همانند امامت، از آن امام علی بن ابی‌طالب(ع) است و هر فردی و یا شخصیتی که به خواهد این مقام را غصب کند، آن را مشروع ندانسته و با او مبارزه خواهند کرد.

این دسته از مسلمانان، پس از آگاهی از بیعت گروهی از مسلمانان با ابوبکر، اعتراض کرده و با تجمع در خانه فاطمه زهرا(س) که پایگاه اهل بیت عصمت و طهارت بود، خواهان بیعت با امام علی(ع) شدند.

بزرگانی از صحابه رسول خدا(ص)، چون سلمان، ابوذر، مقداد، عمار، حذیفه، عباس، زبیر و بسیاری از مهاجران و انصار و طایفه بنی‌هاشم از همین دسته بودند.

ولی اعتراض آنان، خلیفه و گروه حمایت‌گر او را از کرده خویش باز نداشت. قدرت به دست گرفتگان، به جای دلجویی از دختر رسول خدا(ص) و امیرمؤمنان علی بن ابی طالب(ع) در رحلت پیامبر(ص) و غصب خلافت، با این گونه اعتراضات مخالفان به شدت برخورد کرده و حتی بدون اجازه، وارد خانه دختر رسول خدا(ص) شدند و معترضان را مورد ضرب و شتم قرار داده و علی(ع) را به اجبار و اکراه به مسجد بردند. در این ارتباط، فاطمه زهرا(س) نیز مورد ضرب و شتم ستم‌کارانه قرار گرفت و جنین او به نام محسن که نزدیک وضع حملش بود، سقط شد و بر اثر همان صدمات، آن حضرت پس از هفتاد و پنج، یا نود و پنج روز از رحلت پیامبر(ص) به شهادت رسید.

شهادت امام حسن مجتبی(ع) در سال 50 هجری قمری

امام حسن(ع) نخستین فرزند امام علی(ع) و فاطمه زهرا(س) است که در نیمه ماه مبارک رمضان سال سوم هجری قمری در مدینه منوره دیده به جهان گشود و با تولد خویش، در جدش پیامبر(ص) و سایر اهل بیت(ع) شادی و نشاط ویژه‌ای پدید آورد.

امام حسن(ع) بنا به روایت شیعه و اهل سنت، شبیه‌ترین انسان‌ها به رسول خدا(ص) بود و در این باره گفته شده است: و كان الحسن

اشبه الناس برسول الله(ص) خلقاً و هدياً و سؤددا؛ حسن از جهت سیم، روش و رهبری از همه بیشتر به رسول خدا(ص) شباهت داشت.

امام حسن(ع) پس از شهادت پدرش امیرمؤمنان علی بن ابی طالب(ع) در کوفه، با درخواست و بیعت یاران آن حضرت و اهالی کوفه، خلافت را پذیرفت و راه و روش عدالت‌پرور پدرش را تداوم بخشید.

ولیکن با فتنه‌انگیزی‌های معاویه بن ابی سفیان و شرارت‌های سران سفاک سپاه او از يك سو و نفاق و خیانت برخی از سران سپاه امام(ع) و ایجاد چند دستگی در میان مردم و خستگی آنان از جنگ و خون‌ریزی از سوی دیگر، آن حضرت را واداشت که برای حفظ اصل اسلام و در نظر گرفتن مصلحت مسلمانان، با معاویه صلح کند و حکومت را به طور موقت و مشروط به وی سپارد.

از آن پس، امام(ع) از کوفه به وطنش مدینه بازگشت و بقیه عمر شریف خود را در مدینه گذراند. آن حضرت گرچه از حکومت کناره‌گیری کرده بود ولی با رفتار و کردار خود، امت اسلام را به جنایت‌های معاویه و عاملان او در سراسر مناطق اسلامی آگاه می‌کرد و روحیه رزم و جهاد را در نهاد آنان دوباره زنده می‌کرد.

وجود آن حضرت برای معاویه و عامل او در مدینه، بسیار گران می‌آمد و مانع ترك تازی آنان می‌گردید و دستگاه غاصب خلافت را با مشکلاتی مواجه می‌کرد. از جمله این که معاویه تصمیم گرفته بود که فرزند خود یزید را جانشین خویش گرداند و در این راه تلاش زیادی به عمل آورد ولیکن در آغاز توفیق چندانی به دست نیاورد. چون این فکر شیطانی مخالف با صلحنامه امام حسن(ع) بود و از سوی دیگر وجود شخصیت امام حسن(ع) مانع تحقق هدفهای معاویه بود. بدین جهت در صدد از میان برداشتن این اسوه بزرگ عالم اسلام برآمد و در این راه از منافقان و کسانی که به خاطر وابستگی فامیلی با آن حضرت رابطه داشتند، سود جست.

معاویه از طریق اشعث بن قیس، دخترش جعدہ را که همسر امام حسن(ع) بود وسوسه کرد و او را به شهادت آن حضرت ترغیب و تطمیع نمود. وی به جعدہ گفت که اگر حسن را به قتل آوری، علاوه بر این که یکصد هزار درهم پول نقد دریافت می‌کنی، وی را به عقد فرزندش یزید درمی‌آورد و او را ملکه عالم اسلام قرار می‌دهد.

جعدہ که نفاق و دوچهرگی را از پدرش به ارث برده بود، هر چه بیشتر خود را به آن حضرت نزدیک گردانید و پس از جلب توجه امام(ع)، ناجوانمردانه به آن حضرت، خیانت کرد و به وی زهر خوراند.

امام حسن(ع) به خاطر نوشیدن زهر، مسموم شد و به مدت چهل روز در بستری بیماری افتاد و روز به روز، حالش وخیم‌تر گردید، تا این که در 28 صفر سال پنجاه هجری قمری، مصادف با سی و دومین سال رحلت پیامبر(ص) در مدینه به شهادت رسید و محبان اهل بیت(ع) را در سوگ بزرگی فرو برد. امام حسین(ع) به تجهیز بدن مطهر برادرش پرداخت و سپس جهت تدفین آن در کنار مرقد پیامبر(ص)، اقدام به تشییع جنازه نمود. عده زیادی از اهالی مدینه، اهل بیت(ع) و تمامی بنی‌هاشم در تشییع جنازه امام شهید خود همراهی کردند و با عزت و احترام، بدن مطهرش را به سوی مرقد رسول خدا(ص) حرکت دادند. ولی بنی‌امیه و مخالفان اهل بیت(ع) با تحریک عائشه بنت ابی بکر مانع تدفین بدن آن حضرت در جوار مرقد پیامبر اکرم(ص) شدند و در این راه بسیار پافشاری کرده و آماده هرگونه فتنه و فساد گردیدند. جوانان بنی‌هاشم و پیروان ولایت آماده دفاع از حریم امامت و ولایت شدند. امام حسین(ع) که در شهادت برادرش امام حسن(ع)، از همه سوگوارتر و غمگین‌تر بود، در برابر حرمت شکنی‌های بنی‌امیه و مخالفان اهل بیت(ع) فرمود: **والله لولا عهد الحسن(ع) إلى بحقن الدماء، و أن لا هريق فی أمره میحجة دم، لعلمتم کیف تأخذ سیوف الله منکم مأخذها، و قدنقضتم العهد بیننا و بینکم، و أبطلتم ما اشرطنا علیکم لأنفسنا؛ سوگند به خدا اگر برادرم با من پیمان نبسته بود که در پای جنازه او به اندازه حجامت خونی ریخته نشود، می‌دیدید که چگونه شمشیرهای الهی از نیام بیرون می‌آمدند و دمار از روزگار شما برمی‌آوردند. شما همان بیچارگان روسیاه‌اید که عهد میان ما و خود را شکستید و شرائط فیمابین را باطل ساختید.**

امام حسین(ع) و سایر بنی‌هاشم که به خاطر سفارش امام حسن(ع)، کظم غیض کرده و بردباری و جوان‌مردی را پیشه خود داشتند، به ناچار بدن امام حسن(ع) را به سوی قبرستان بقیع حمل نموده و در جوار جداهش فاطمه بنت اسد(رض) تدفین نمودند.

هم‌اکنون مزار امام حسن مجتبی(ع) به همراه سه تن از امامان معصوم(یعنی امام زین‌العابدین، امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم‌السلام) بدون هیچ‌گونه گنبد و بارگاهی در این قبرستان قرار دارد و محل زیارت بسیاری از شیعیان و دوستداران اهل بیت(ع) می‌باشد.

در تاریخ شهادت امام حسن مجتبی(ع)، علما و مورخان شیعه اتفاق نظر دارند که آن حضرت در 28 صفر سال 50 قمری در سن 47 سالگی به علت مسمومیت از سوی همسرش جعدہ بنت اشعث به لقاء الله پیوست. ولیکن علمای اهل سنت به اختلاف پرداختند. برخی از آنان، ربیع‌الاول سال 49 قمری، برخی ربیع‌الاول سال 50 قمری و برخی آخر ماه صفر سال 50 قمری را ذکر کرده‌اند. هم چنین

در مقدار عمر آن حضرت به اختلاف پرداختند. ولی اکثر آنان اتفاق نظر دارند که همسرش وی را مسموم کرد و پس از تشییع جنازه، سعید بن عاص (عامل معاویه در مدینه) بر بدن او نماز گذاشت.

درگذشت موسی بن بغا در، سال 264 هجری قمری

موسی بن بغای کبیر، یکی از فرماندهان نظامی و ترک‌نژاد متوکل(دهمین خلیفه عباسی) بود و از سوی او، جهت سرکوبی قیام‌ها و شورش‌های مردمی به مناطق مختلف اسلامی اعزام گردید و با شدت و خشونت، اعتراضات مردمی را سرکوب کرد.

وی در خلافت معتز عباسی(سیزدهمین خلیفه عباسی)، مأموریت یافت برای از میان بردن نخستین حکومت شیعی در شمال ایران، با داعی کبیر(حسن بن زید علوی)حاکم طبرستان، به نبرد پردازد.

وی در آغاز باجستان بن وهسودان، عامل داعی کبیر در قزوین، برخورد کرد و با وی جنگ سختی نمود و بر سپاهیان علوی پیروز شد و شهرهای قزوین، زنجان و ابهر را بار دیگر از دست مخالفان خلیفه بیرون آورد و در سیطره سپاهیان خلیفه درآورد.

وی، آن گاه به "ری" رفت و پس از تصرف آن، در آن جا اقامت گزید و سپاهیان خود را به فرماندهی "مفلح" به جنگ داعی کبیر در طبرستان فرستاد.

مفلح، در آغاز به سمنان لشکر کشید و آن را از تسلط علویان خارج ساخت. در همین هنگام، احمد بن محمد سکنی که از سوی طاهریان، حاکم منطقه بود، به سپاه خلیفه پیوست و به همراه مفلح به طبرستان هجوم آوردند.

آنان، پس از سمنان و مناطق جنوبی سلسله جبال البرز، به گرگان هجوم آوردند و آن را تصرف کردند. سپس به شهرهای ساری، آمل، چالوس و سراسر مازندران هجوم آوردند و آن‌ها را از دست داعی کبیر بیرون آوردند. داعی کبیر، به ناچار، در اطراف کلاردشت، در غرب مازندران پناه گرفت و از دیلمیان استمداد جست. ولی دیلمیان، وی را یاری نکردند. تا این که در سال 255 قمری، پس از خلع معتز عباسی از خلافت و مردن او، سپاهیان خلیفه، طبرستان و مناطق دیگر ایران را ترک کرده و به سوی بغداد روان شدند. پس از خروج سربازان مفلح و موسی بن بغا از طبرستان، داعی کبیر، دوباره این مناطق سرسبز را به تصرف خود درآورد.

موسی بن بغا، در عصر خلافت مهتدی(چهاردهمین خلیفه عباسی) به یکی از قدرتمندترین فرماندهان نظامی و سیاسی تبدیل شد. وی، خلیفه را وادار به پذیرش شرایط خود کرد و با دسیسه‌هایی چند، صالح بن وصیف را که از نزدیکان و فرماندهان عالی‌رتبه مهتدی بود، کشت و از این طریق، رقیب خود را از میان برداشت.

وی در عصر معتمدعباسی(پانزدهمین خلیفه عباسی) یز از اقتدار کافی برخوردار بود.

موسی بن بغا در سال 259 قمری، از سوی معتمد عباسی مأموریت یافت که با جنبش زنگیان در جنوب عراق مبارزه کند. ولی تلاش وی، سودی در بر نداشت.

وی در سال 260 قمری، از سوی معتمد عباسی، مأمور لشکرکشی به "ری" شد و در این شهر با هواداران حسن بن زید طالبی که بر این شهر تسلط یافته بود، مبارزه کرد و آنان را شکست داد و شهر را به تصرف خود درآورد. هم چنین در سال 261 قمری، حکومت مناطق جنوبی ایران و عراق، همانند اهواز، بصره، بحرین و یمامه را از معتمدعباسی دریافت کرد و پس از مدتی، از منصب خود برکنار گردید.

سرانجام، پس از سال‌ها خدمت به خلفای عباسی و خیانت به مردم، و جنایت‌های بیشمار به مسلمانان، در 28 صفر سال 264 قمری، در عصر معتمد عباسی، به هلاکت رسید. جنازه‌اش به سامرا منتقل شد و در آن جا به خاک سپرده شد.

درگذشت حاج شیخ جعفر شوشتري در سال 1303 هجري قمری

حاج شیخ جعفر شوشتري از علمای برجسته مکتب تشیع در سال 1303 هجري قمری بدرود حیات گفت. ایشان پس از کسب مقام مرجعیت به شوستر بازگشت و به تدریس پرداخت. «مینهج الزشاد و نتائج مقاصد» از جمله آثار این فقید بشمار می روند

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و تبلیغ:

ولادت :

شیخ جعفر شوشتری در سال 1230 هجری قمری در شهر شوشتر متولد شد. این تاریخ، از نوشته میرزا محمد همدانی بر می آید که قدیمی ترین شرح حال او را به نام (غنیمه السفر) نوشته است وی در این کتاب، که در 1303 هجری قمری نوشته عمر آن مرحوم را هفتاد و سه سال بیان می کند.

تحصیلات :

شیخ، در اوان عمر برای تحصیل علم، همراه پدرش به نجف اشرف رفت. این سفر، در زمانی بود که شیخ مرتضی انصاری در رأس حوزه علمیه نجف اشرف بود. در سال 1255 هجری قمری به شوشتر بازگشت، رساله عملیه منهج الرشاد را نوشت، و حسینییه ای در شوشتر بنا کرد.

اساتید :

اساتید شیخ که در کتب رجال و تاریخ به آنها اشاره شده عبارت است.

1 - شیخ اسماعیل کاظمی، فرزند صاحب مقابیس.

2 - شیخ محمد حسن صاحب جواهر.

3 - شیخ مرتضی انصاری.

4 - شیخ علی بن جعفر کاشف الغطا.

5 - شیخ حسن بن جعفر کاشف الغطا صاحب (انوار الفقاهه).

6 - شیخ راضی نجفی.

7 - شیخ محمد حسین صاحب فصول.

شاگردان :

فقهای بسیاری از محضر با برکت شیخ کسب فیض نموده اند که برای تبرک و تیمن اسم چند نفر از آنان را ذکر می کنیم.

1 - میرزا محمد همدانی.

2 - مرحوم سید عبدالصمد جزایری.

3 - آقا میرزا ابراهیم.

4 - آخوند ملا احمد نراقی.

5 - مرحوم شیخ علی بن رضا کاشف الغطا.

تألیفات :

آثاری از شیخ بر جای مانده که هر کدام، دلیلی بر علو مقام علمی و عملی آن عالم ربانی است. از آن جمله :

1 - منهج الرشاد.

2 - الخصایص الحسینیة: این کتاب، در پی رویای صادق شیخ بوده است.

3 - دمع العین.

4 - لوائح اللوآحین.

5 - فیوضات مسعودیه.

6 - الدر النضید فی خصایص الحسین الشہید.

7- اصول دین.

8 - مجالس المواعظ.

9 - فواید الشماهد و نتایج المقاصد.

خصوصیات اخلاقی :

محدث نوری در (دارالسلام)، به نقل از خود آن مرحوم آورده که : بعد از فراغ از تحصیل و حصول درجه اجتهاد از نجف اشرف، به وطن خویش مراجعت و مشغول به تبلیغ احکام بودم. و چون در وعظ و منبر مهارتی نداشتم، ماه مبارک رمضان از تفسیر صافی، و ایام عاشورا از روی کتاب روضه الشهدا ملا حسین کاشفی قرائت می کردم. سال اول به این منوال گذشت و محرم رسید. شبی فکر نمودم تا کی از روی کتاب بخوانم. در این خیال رفتم که دیگر از کتاب در منبر مستغنی شوم. ملول شده به خواب رفتم. در خواب دیدم گویا (کربلا) هستم و همان موقعی است که حضرت اباعبدالله (علیه السلام) در آن سرزمین نزول اجلال فرموده. (من در خیمه آن حضرت رفتم، سلام کردم. حضرت مرا در نزد خویش نشانند، و به حبیب بن مظاهر اسدی فرمود که : فلانی میهمان ماست اما از آب چیزی نزد ما نیست، ولی آرد و روغن داریم، بر خیز و طعامی برای او تهیه کن. در آن دم، حبیب بر خاسته طعامی درست نموده، آورده جلو من گذاشت. من چند لقمه کوچکی از آن طعام تناول کردم و از خواب بیدار شدم. اینک از برکت آن طعام به اخبار مصایب و لطایف و کنایات آثار ائمه صلوات الله علیهم اجمعین مطلع گشته ام. شیخ، در زهد و تقوای خود، راه سلوک شرعی یعنی تبعیت محض از آیات قرآن و کلمات خاندان وحی را پیش چشم داشت. لذا با صوفیان بشدت در تعارض و تضاد بود، چرا که آنان با راههای خود ساخته بدعت آلود، مردم را از راه حق منحرف می کنند.

اما بیان رسا و بلیغ شیخ در مواعظ و بیانات منبری که از تقوا و زهد والای او نشات می گرفت، آنچنان به او شهرت واعظ بخشیده که فقاهت او را تحت الشعاع قرار داده است. در واقع، اگر بدانیم که پیامبر هدف از بعثت را تتمیم مکارم اخلاق مردم می داند، آنگاه به ارزش وعظ و خطابه آگاه می شویم، بویژه آنگاه که سخن از دل برآید و لاجرم بر دل نشیند. و بیان شیخ، اینگونه بود.

مقام علمی :

مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری (قدس سره) فقیهی نامدار بود که دقت نظر را به سلاست بیان و شهرت و نفوذ فراوان جمع کرده بود و در این مقام، رساله(منهج الرشاد) او کافی است.

مسافرت :

سفر تاریخی شیخ به ایران، در سال 1302 هجری قمری بود، در کتاب (غنیمه السفر) شرح مفصل وقایع این سفر تاریخی آمده است، و در اینجا خلاصه ای از آن را نقل می کنیم: پس از ورود شیخ به شهر ری، جماعتی از علمای بزرگ تهران و امنای شاه و سایر طبقات به دیدار او شتافته، درخواست کردند که ایشان به تهران بیاید، شیخ پذیرفت و در تهران بر مرحوم حاج ملا علی کنی وارد شد، و در مسجد مروی به اقامه جماعت و وعظ و ارشاد پرداخت.

شیخ، در اول ماه شوال همان سال به سوی خراسان رفت. در خراسان بیمار شد، با این حال، در مشهد، به نماز جماعت حاضر می شد و مردم را موعظه می کرد.

اقامت شیخ در خراسان يك ماه نکشید و دوباره به تهران بازگشت. ورود او به تهران، اول محرم الحرام بود. دهه اول و قسمتی از دهه دوم را در تهران منبر رفت. در این ایام، صدر اعظم و بسیاری از مردم به دیدار شیخ رفتند. شاه نیز به دیدن او رفت و احوال او و سفر خراسان او را پرسید.

شیخ در جواب فرمود: (دوست داشتم زیارت من، مثل زیارت اعراب بادیه نشین باشد که جان خود را در کف دست گرفته، از راههای دور، با تحمل زحمت و مشقت به حرماهای ائمه اطهار (علیهم السلام) مشرف می شوند، در حالی که پیاده و پابرنه هستند، توشه راه آنها سویق (غذای ساده جو) و رفیق آنها توفیق است. اما بیماری مرا از این توفیق محروم ساخت و من مجبور شدم بر روی تخت بیماری به زیارت بروم. (شاه پیشنهاد کرد که شیخ در تهران بماند. شیخ در جواب فرمود: (دوست دارم این مشقت استخوان در جوار حضرت ابوتراب صلوات الله علیه به تیره تراب سپرده شود. (شاه که بیماری شیخ را دریافت، پزشکان را نزد او فرستاد تا حال او قدری بهبود یابد. امرای کشور، هدایای زیادی برای شیخ فرستادند که هیچکدام را نپذیرفت، شیخ، تهران را به قصد نجف ترک گفت.

وفات :

مرحوم سید محمد حسین جزایری در ملحقات تذکره شوشتری می نویسد : وفات شیخ جعفر شوشتری در کرد، عصر 28 صفر سنه 1303 هجری قمری اتفاق افتاده است.

درگذشت شیخ عبدالله بروجردي دانشمند وفقیه شيعي در سال 1329 هجري قمری

شیخ عبدالله بروجردي دانشمند و فقیه شيعي در سال 1329 هجري قمری وفات یافت. این عالم فرزانه در بروجردي متولد شد و پس از سالیان متمادي تحصیل در علوم فقه و حدیث عالمی مبرز شد. بروجردي همواره به تدریس و تالیف اهمیاتی خاص داشت و آثاری ارزشمند از خود به یادگار گذاشته است. «رساله ای درباره اجماع امر ونهی» از آن جمله است.

به خاک و خون کشیدم مردم توسط رژیم پهلوی در تظاهرات در سال 1357 هجری شمسی

در ادامه تظاهرات در سال 1357 هجری شمسی در تهران و دیگرشهرهای کشورمان شمار زیادی از مردم انقلابی بدست عوامل رژیم پهلوی شهید یا زخمی شدند. ملت مسلمان ایران که بی صبرانه منتظرورود حضرت امام خمینی(ره) رهبرفقید انقلاب به میهن بودند؛ بزرگترین مراسم استقبال را از رهبرعظیم الشان انقلاب اسلامی تدارک می دیدند. به همین مناسبت ستادی ازروحانیان و نمایندگان بخشهای مختلف جامعه تشکیل شد تا مراسم استقبال را با شکوه تمام برگزارکنند. گفتنی است که جمعیت مشتاق از شهرها و روستاهای کشور به طرف تهران در حرکت بودند تا در مراسم استقبال از امام و رهبرشان شرکت کنند. همچنین در همین روز 4000 افسرنیروی هوایی در کارخانه تعمیربالگردهای جنگی به پشتیبانی از مردم مبارزو مسلمان اعتصاب غذا کردند و اخراج مستشاران امریکایی از ایران خواستار شدند.

به حساب درآمدن جمهوری خودمختار اوکراین بعنوان جمهوری های باقیمانده روسیه در سال 1918 میلادی

ناحیه وسیع و حاصلخیز اوکراین در سال 1918 میلادی به مثابه جمهوری خودمختار در شمار جمهوریهای باقیمانده روسیه درآمد. اوکراین پس از استقلال حق رأی مستقل خود را در سازمان ملل متحد بدست آورد. اوکراین در قرن 18 میلادی جزو قلمرو روسیه شد؛ در سال 1918 میلادی از تصرفات روسیه خارج گردید و سرانجام در سال 1939 میلادی باردیگر حاکمیت شوروی سابق پیشتاز بود؛ و در سال 1991 میلادی استقلال کامل خود را از شوروی اعلام کرد. گفتنی است که اوکراین بیش از 60 میلیون نفر جمعیت دارد و مساحت آن 600000 هزار کیلومتر مربع است و صنعت و کشاورزی مهمترین پایه های اقتصادی اوکراین را تشکیل می دهند.

